## «سوادرسانه‌ای از الف تا ی» یکی از ۶ کتاب پرفروش ارتباطات و رسانه شد

کتاب «سوادرسانه‌ای از الف تا ی» تالیف محمدصادق افراسیابی که با همکاری معاونت صدای سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران تدوین و توسط انتشارات پشتیبان چاپ شده بود جزو شش کتاب پرفروش ارتباطات و رسانه طی یکسال گذشته شد. این کتاب حاصل ۱۳ گفت‌وگوی محمدصادق افراسیابی، دکترای سیاستگذاری فرهنگی و موسس انجمن سوادرسانه‌ای ایران با ۲۴ نفر از اساتید ارتباطات و رسانه است که در برنامه «دنیای شیشه‌ای» رادیو گفت‌وگو به تهیه‌کنندگی دکتر معصومه اسمعیل‌نژاد حضور داشتند.

در این کتاب هر یک از مهارت‌های ۵گانه ی سوادرسانه‌ای به تفکیک موردبررسی قرار گرفته و ضمن ارائه مصداق‌هایی همه‌فهم از مهارت‌های یادشده تلاش شده مخاطب به رعایت مهارت‌های سوادرسانه‌ای در زندگی روزمره ترغیب شود. همچنین در ادامه، حوزه سوادرسانه‌ای از منظر آموزش، پژوهش و سیاستگذاری مورد نقدوبررسی قرار گرفته و راهکارهایی عملیاتی در این حوزه‌ها ارائه شده است.

### گزارشی از پشت صحنه فصل دوم «روزگ
### نویسنده‌ها، تهیه‌کننده و بازیگران این سریال

# روزگار جوان‌ها

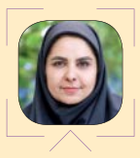

زینب علیپور طهرانی
رسانه

اواخر دهه ۷۰ شبکه پنج مجموعه‌ای پخش کرد که در آن چند جوان دانشجوی شهرستانی خانه‌ای را اجاره کرده و همخانه شدند. این مجموعه در نوع خود اتفاق تازه‌ای بود و باعث شد مخاطبان بسیاری را به خود جذب کند و تولید آن به فصل دوم هم برسد.

اصغر توسلی یکی از کارگردانان این مجموعه پس از بیست و اندی سال مدتی است ساخت فصل دوم «روزگار جوانی» را باانگیزه‌تر از گذشته آغاز کرده است. در این مجموعه هم پنج دانشجوی جوان همخانه و از قضا مستاجر عباس

## خانه باغی حوالی کاخ نیاوران

انتهای بن‌بست ترانه حوالی نیاوران خانه باغی است که تیم سازنده این مجموعه از سال گذشته در آنجا مستقر شده‌اند. خانه‌ای در محله‌ای کاملا ساکت و بی‌سروصدا که فضاهای خوبی هم برای تصویربرداری دارد. در خانه باغ باز است و چند نفر از عوامل در حال رفت و آمد هستند. اتومبیلی هم در حیاط پارک شده که مربوط به عباس آقاست. سقف حیاط هم پر از گل‌های زیبا و معطری به رنگ بنفش است. وارد ساختمان دو طبقه‌ای می‌شویم و به سمت باغ می‌رویم که عوامل در حال صرف ناهار هستند. کنار استخر هم کارگردان و تهیه‌کننده با فاصله روی نیمکتی نشسته‌اند و هماهنگی‌های نهایی را انجام می‌دهند. فولکس واگن طوسی رنگ حمیدرضا را یادتان هست که همیشه خراب بود و با هل روشن می‌شد؟ همان اتومبیل گوشه‌ای از باغ پارک شده بود که گویا قرار است مثل فصل گذشته نقش مهمی را در این فصل داشته باشد. یکی از نکات جالب این ساختمان قدیمی قرارگرفتن بین آپارتمان‌های سر به فلک کشیده نوساز است که از هر گوشه باغ که نگاه می‌کنی می‌توانی آنها را ببینی. صدای پرنده‌ها و البته صدای یک خروس هم که در حال عرض اندام است، شنیده می‌شود. بازیگران هر کدام پس از صرف غذا به گوشه‌ای از باغ می‌روند و فیلمنامه به دست در حال تمرین و روخوانی فیلمنامه هستند. در این بین زهرا داودنژاد هم از راه می‌رسد. او هم در طول داستان یکی از ساکنان این خانه می‌شود. با راهنمایی یکی از عوامل به طبقه بالا که در انحصار دانشجوهاست می‌رویم. چند اتاق و یک آشپزخانه وجود دارد که داخل هر اتاق هم دو تختخواب و کلی وسایل دانشجویی به چشم می‌خورد و بسیار به هم ریخته است. یکی از اتاق‌ها هم تراس کوچکی دارد که فضای خوبی برای فیلمبرداری دارد. کنار آشپزخانه هم فضای وسیعی هست که به گفته یکی از عوامل اغلب پسرها در اینجا با هم جمع می‌شوند. در یکی از اتاق‌ها تعدادی بادکنک وجود دارد که یکی دو روز قبل سکانس تولد یکی از پسرها را با این بادکنک‌ها گرفته‌اند. به در ورودی ساختمان و جایی که گروه برای ضبط سکانسی از کار آنجا مستقر شده‌اند می‌رویم. دوربین‌ها در نقاطی که کارگردان می‌گوید قرار می‌گیرد. کاپوت اتومبیل عباس آقا بالاست و دو تا از پسرها کوله به دست در حال رفتن از خانه هستند که متوجه عباس آقا نمی‌شوند و او برایشان بوق می‌زند و با هم صحبت می‌کنند. این سکانس از چند زاویه و تغییر جای دوربین‌ها ضبط می‌شود. به نظر می‌رسد کارگردان انرژی، انگیزه و اشتیاق بسیاری در ساخت این مجموعه دارد و بسیار هم در کارش جدی است. بنابراین باید منتظر پخش یک مجموعه پربیننده باشیم.

## بازیگرانی که ستاره خواهند شد

سپهر محمدی که تهیه‌کنندگی فصل دوم «روزگار جوانی» را به‌عهده دارد درباره ویژگی‌های این مجموعه به جام جم می‌گوید: این مجموعه ارجاعاتی به فصل اول دارد. مثل حضور بعضی از بازیگران از جمله بیوک میرزایی که نقش عباس آقا را بازی می‌کرد و در این فصل هم حضور دارد. یا این‌که در آن فصل هم پنج دانشجو مستاجر عباس آقا شدند و در این فصل هم پس از ۲۰ سال پنج دانشجوی دیگر در خانه عباس آقا ساکن می‌شوند. البته عباس آقا منزلش را عوض کرده و به خاطر کهولت سن قصاب هم نیست.

وی همچنین ادامه می‌دهد: یکی از ارجاعات دیگر این است که ما عکس همان دانشجوها را در خانه عباس آقا می‌بینیم که به عنوان یادگار نگه داشته است. ضمن این‌که فولکس حمیدرضا هم در انباری این خانه هست که بچه‌ها آن را احیا می‌کنند و در طول سریال از این اتومبیل استفاده می‌کنند.

محمدی در پاسخ به این سوال که تا چه حد بیننده از سرنوشت بچه‌های فصل یک مطلع می‌شود هم توضیح می‌دهد: به جز داماد عباس آقا خیلی به دانشجوهای دیگر پرداخته نمی‌شود. سعی نکردیم خیلی یادآوری نوستالژیک داشته باشیم. چون فضای این کار خیلی امروزی است و سعی کردیم قصه‌ها و روایت‌ها به قدری شیرین باشد که مردم این مجموعه را دنبال کنند.

این تهیه‌کننده درباره انتخاب بازیگران هم بیان می‌کند: در فصل اول اغلب بچه‌هایی که بازی کردند ستاره نبودند ولی قرار بود ستاره شوند. این بچه‌ها هم قرار است ستاره شوند. بنابراین تلاشمان بر این بود که پنج نفر از بهترین بازیگران تئاتر را که می‌دانستیم آینده درخشانی دارند انتخاب کنیم. اما با این رویکرد که نقش مهمان‌ها را حتما از بازیگران شناخته شده‌تر انتخاب کنیم. مثل رسول نجفیان، کاظم بلوچی یا زهرا داودنژاد و...

محمدی درباره حضور اصغر توسلی به‌عنوان کارگردان هم عنوان می‌کند: یکی از مهم‌ترین نکات این مجموعه این است که خود اصغر توسلی این فصل را کارگردانی می‌کند که هم برای خودش خوب است و هم برای ما. به دلیل این‌که آقای توسلی تمام توانش را می‌گذارد تا این مجموعه بهتر از کار قبلی باشد.

وی درباره پیش‌بینی‌اش از استقبال مخاطب هم می‌گوید: نمی‌توانم به قطعیت بگویم. چون می‌دانم که در ایران حداقل ما موج سواری‌مان خوب است. هر روز و هر فصلی حال مردم یک جور است. اما نباید این را هم فراموش کنیم که اگر قصه خوبی داشته باشیم، مجموعه دیدنی می‌شود. بنابراین فکر می‌کنم قصه‌گویی خوبی در این کار اتفاق افتاده است.

محمدی در پایان هم درباره زمان پخش سریال عنوان می‌کند: طبق صحبت‌هایی که انجام شده مجموعه در ابتدای تابستان از شبکه پنج پخش خواهد شد. احتمالا تصویربرداری سریال را همزمان با پخش تا اواخر تیرماه ادامه خواهد داشت.

## فضای فصل دوم شادتر و شیرین‌تر است

**اصغر توسلی که کارگردانی فصل اول این مجموعه را به‌عهده داشت، درباره ویژگی‌های این فصل نکاتی را به جام جم بیان کرد:**

***این‌که پس از بیست و اندی سال در حال ساخت فصل دوم «روزگار جوانی» هستید که یکی از مجموعه‌های پرمخاطب تلویزیون بود، چه حسی نسبت به این کار داشته و چقدر انگیزه و ایده‌های بیشتری را برای فصل دوم دارید و به موفقیت آن خوشبین هستید؟***

یک مقدار مسائل امیدوارکننده و در عین حال یک مقدار هم نگرانی در این فصل وجود دارد. امیدواری از این جهت که من در این فصل با یک گروه نویسنده کار می‌کنم که هرکدام از آنها دارای نگاه‌ها و سلایق مختلف اما همگی جوان و هم‌سن همین بچه‌هایی هستند که ما قصه‌هایشان را می‌گوییم. البته همه در کارشان هم کارآمد و باتجربه هستند. البته شاید کمتر فیلمنامه نوشته باشند اما قصه‌نویس‌های خوبی هستند. بنابراین همین نکته از ویژگی‌های مثبت این کار است. گرچه یکی از نکات مثبت فصل یک هم این بود که اصغر فرهادی نویسنده کار بود و خودش هم در آن دوران به همان شکل زندگی می‌کرد و از تجربیات خودش در کار استفاده کرد. نکته دیگری که من را به این فصل امیدوار می‌کند این است که فضای کار شیرین‌تر و شادتر از فصل قبل است. مزیت دیگر این است که ما در آن فصل هم انتخاب‌های خوبی داشتیم و در این فصل هم سعی کردیم بازیگران خوبی را انتخاب کنیم. من به این بچه‌ها خیلی امیدوارم.

***و نگرانی‌تان از چه بابت است؟***

این‌که مردم این روزها به سختی تلویزیون تماشا می‌کنند. سال‌هاست که من به این فکر نمی‌کنم که کاری بسازیم که دیده شود. متاسفانه تلویزیون مثل گذشته دیده نمی‌شود. علتش هم بسیار روشن است. تلویزیون در گذشته عضوی از خانواده بود؛ یعنی ما در خانه یک پدر داشتیم، یک مادر، یک پسر، یک دختر و یک تلویزیون. تا زمانی که پسر و دختر ما خوب هستند و درس می‌خوانند دوست‌شان داریم. تلویزیون هم تا وقتی برنامه‌های خوب نشان می‌دهد دوستش داریم. امروزه تلویزیون در خانواده این‌گونه است. هست اما عده‌ای از خانواده‌ها کاری به کارش ندارند و دیده نمی‌شود. بنابراین کار کردن در این تلویزیون بسیار سخت است. با این حال تلاش می‌کنم کار خوب بسازم و دیده شود و مردم دوست داشته باشند.

***چقدر فکر می‌کنید قصه‌ها در فصل دوم جذاب‌تر باشد و بتواند نظر مخاطبان بیشتری را به خود جلب کند؟***

فکر می‌کنم قصه‌ها از فصل یک خیلی بهتر و جذاب‌تر است؛ چون قصه‌ها به‌روزتر است و مال بچه‌های امروز است. همان‌طور هم که گفتم سعی کردیم فضا کمی طنز و شیرین و شادتر از فصل قبل باشد. بنابراین فکر می‌کنم مخاطب دوست داشته باشد. با این‌که کار سختی است و شبکه‌های تلویزیونی زیادتر از آن سال‌ها شده است.

### عیسی حسینی نقش مرتضی را بازی می‌کند

## مرتضی عاقل‌تر از بقیه پسرهاست

***مرتضی از کدام شهر برای تحصیل به تهران آمده؟***

مرتضی اصالتا آذری است.

***پس به نوعی تداعی‌کننده نقش احد با بازی کیهان ملکی در فصل یک هستید؟***

شاید. البته احد با گویش آذری صحبت می‌کرد. اما من فارسی صحبت می‌کنم و گاهی از گویش آذری در بازی استفاده می‌کنم.

***به هر حال دانشجوهای شهرستانی این روزها کمتر با گویش خودشان صحبت می‌کنند و کمتر دانشجویی را می‌توان پیدا کرد که با لهجه صحبت کند؟***

بله دقیقا. کارگردان هم تشخیص داد که البته تشخیص درستی هم بود که در سری جدید هیچ‌کدام از بازیگران لهجه نداشته باشند و گاهی از گویش و اصطلاحات خاصی استفاده کنند. من هم اصالتا آذری هستم و در زندگی شخصی هم فارسی صحبت می‌کنم. بنابراین به نظرم فضا این‌گونه واقعی‌تر می‌شود و تصمیم درستی بود.

***به نظر می‌رسد مرتضی به نوعی بزرگ‌تر از بچه‌های دیگر است و به نوعی از آنها حمایت می‌کند؟***

ما همه دهه شصتی هستیم اما در قصه دهه هفتادی هستیم. مرتضی شیطنت‌های کمتری به نسبت بقیه دارد و به نوعی عاقل‌تر و محافظه‌تر از بقیه است و آنها را کنترل می‌کند.

***با وجود این‌که خودتان بیننده فصل یک این مجموعه بودید، برای این‌که با جهان‌بینی کارگردان بیشتر آشنا شوید، رجوعی به گذشته کردید؟***

به هر حال که آقای توسلی سلیقه و دیدگاه‌شان به نسبت آن سال‌ها تغییر کرده ولی خب کلیت و ساختارشان یکی است. اما جزئیات است که این تفاوت را ایجاد می‌کند. البته که قیاس این دو مجموعه هم کار را برای ما سخت‌تر می‌کند و در عین حال باعث می‌شود تلاش‌مان را برای بهتر شدن کار بیشتر کنیم. ضمن این‌که آقای توسلی بسیار ریزبین است و در کار دقت و جدیت خاصی دارد و همین موضوع هم به کار ما کمک می‌کند که تلاش می‌کنیم بهترین باشیم. حتی با پسر خودشان هم تعارف ندارد و به‌دنبال این است که این مجموعه بهتر از فصل قبل باشد.

***با توجه به چارچوب تلویزیون تا چه حد از تجربیات شخصی خودتان در کار استفاده می‌کنید و این فضا وجود دارد که به کارگردان ایده بدهید و تعامل دو طرفه داشته باشید؟***

همه ما تجربه کار در فضای تئاتر را داریم و یاد گرفته‌ایم که ایده‌پرداز باشیم. خوشبختانه فضا برای تعامل با کارگردان و نویسنده‌ها باز است و اگر ایده خوبی داشته باشیم می‌پذیرند.

### سیناکرمی نقش حامد را بازی می‌کند

## در کودکی طرفدار «روزگار جوانی» بودم

***حامد چه ویژگی‌هایی دارد و آیا با گویش خاصی در این مجموعه صحبت می‌کند؟***

حامد در داستان از استان گیلان آمده و به‌دلیل تحصیلات و شغلی که دارد، فقط جاهایی که نیاز باشد گ
صحبت خواهد کرد و معمولا فارسی صحبت می‌کند. حامد یکی از پسرهای امروزی است که مثل همه جوان‌ه
سری اهدافی در زندگی و کارش دارد.

***«روزگار جوانی» نخستین تجربه حضور شما در تصویر است؟***

من پیش از این تجربه بازی در فیلم سینمایی و سریال داشتم؛ از جمله سریال
زرد». اما نقشی که تا این حد محوری باشد و دیده شود را در این مجموعه تجربه می‌ک

***خودتان فصل اول این مجموعه را دیده بودید؟***

بله دیده بودم و اتفاقا با وجود این‌که سنم کم بود اما جزو طرفداران این سر
همیشه منتظر پخش آن بودم و به آقای توسلی هم گفتم که حضور در
مجموعه برایم باعث افتخار است.

***فکر می‌کردید یک روزی خودتان عضوی از این پروژه باشید؟***

نه اصلا اما خیلی خوشحالم که این اتفاق افتاد.

***برای این‌که با فضای کار با آقای توسلی و آن مجموعه بیشتر آشنا ش
رجوعی به بازپخش‌های سریال کردید؟***

بله قسمت‌هایی را با دقت بیشتری از کار دیدم.

***فکر می‌کنید این مجموعه هم بتواند مثل فصل قبل موفق باشد؟***

شکی نیست که روزگار جوانی مجموعه بسیار موفقی بود. در این فصل هم
تلاشند تا گامی رو به جلو بردارند و قوی‌تر از گذشته کار کنند تا خروجی ج
برای بیننده‌ها داشته باشد. امیدوارم مردم من و سایر همکارانم را دوس
داشته باشند.

### سعید زارعی نقش مسعود را بازی می‌کند

## امیدوارم برای نسل بعد نوستالژی شویم

***مسعود چه ویژگی‌های اخلاقی دارد و اهل کدام شهر است که به تهران می‌آید؟***

مسعود اصالتا اصفهانی اما ساکن تهران است که در طول داستان برای این‌که مستقل باشد، با بچه‌ها همخانه می‌شود.

***درست مثل نقشی که امین حیایی در فصل یک بازی کرد؟***

شاید. چون به هر حال مسعود در تهران به همراه خانواده‌اش سکونت دارد و شاید از این نظر به همان نقش شباهت داشته باشد. اما مسعود گاهی اصفهانی هم صحبت می‌کند.

***قرارگرفتن در فضای کاری که بعد از بیست و اندی سال فصل دوم آن ساخته می‌شود چه حسی دارد؟***

من از آن سریال تصاویری را به خاطر دارم. البته بازپخش‌ها را دیدم که بتوانم در آن فضا قرار بگیرم. اما خب هم حس خوشایندی است و هم کار ما را سخت می‌کند. چون به هر حال با آن مجموعه و بازیگران مقایسه می‌شویم. اما تلاش می‌کنیم به خوبی از کاری که به‌عهده ما سپرده شده بربیاییم.